

# انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و گفتمان اسلام‌گرایان نوین ترکیه

رحمت‌الله‌فلاح

اشاره

اسلام در ماهیت هویتی ملت ترکیه از ارکان اصلی و تشکیل‌دهنده به شمار می‌رود؛ به ویژه در دوره امپراتوری عثمانی این عنصر در پیوندهای ملی و اجتماعی نقش بسزایی داشت. بدون اغراق از مهمترین علل شش قرن تداوم حاکمیت این امپراتوری بر بخش عظیمی از جهان اسلام به رغم تمام مشکلات داخلی و خارجی، مسئولیت‌پذیری تمدنی اسلامی ملت‌های مسلمان بود که اقوام مختلف را در کنار هم نگه می‌داشت. در دوره انحطاط عثمانی هویت‌های منبعث از گرایش‌های ملی‌گرایانه و اندیشه مدرنیته و غرب‌گرایی باعث شد عنصر هویت اسلامی در عرصه سیاسی امپراتوری تضعیف شود تا اینکه نخبگان اندیشه‌ای امپراتوری عثمانی در راستای نجات امپراتوری از فروپاشی در کنار رهیافت‌های اسلام‌محور، رهیافت‌های ملی‌گرایی ترک، عثمانی‌گرایی مدارا طلب و غرب‌گرایی را مدنظر قرار دادند. با این حال، معماران جمهوریت در ترکیه بعد از فروپاشی امپراتوری، هویت اسلامی ملت خود را از ساختار مفهومی و اجرایی نظام سیاسی کنار





گذاشتند. مردم ترکیه در یک مقاومت مدنی همواره بر محوریت این عنصر هویتی خویش تأکید کرده‌اند تا اینکه در فرصت سیاسی به وجود آمده در فراز و فرودهای تاریخی خود به تقویت احزاب اسلامی پرداختند. هر چند اسلام سیاسی و به عبارتی احزاب دین‌گرا در مقابل موانع ساختاری داخلی و بین‌المللی مجبور به عقب‌نشینی شدند، اما اسلام‌گرایان نوین با بهره‌مندی از مفاهیم حقوق بشری و دموکراسی توانستند جلوه‌هایی از هویت‌گرایی اسلام سیاسی را در سپهر عمومی سیاست و سیاست‌ورزی ترکیه نهادینه کنند.

### مقدمه

ترک‌ها با تأسیس دولت عثمانی خدمات خود را وقف توسعه اسلام کردند. اسلام در این حکومت به اوج خود رسید و ترک‌ها قدرتمندترین و باثبات‌ترین حکومت شناخته‌شده در منطقه تا آن زمان را به وجود آوردند. عثمانی‌های متعلق به استپ‌های آسیای مرکزی با ایجاد سلسله‌هایی در آناتولی در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا دامن گسترده‌اند. این حکومت در قرن هفدهم به اوج توسعه ارضی خود رسید و به یمن نرمش‌پذیری، قابلیت‌های چندگانه و مهارت‌های تشکیلاتی خود و نیز فتور دشمنان، از دروازه‌های وین تا آذربایجان و از کریمه تا سودان گسترش یافت.

اسلام به عنوان منشأ مشروعیت، وحدت دین و دولت و سرچشمه هویت آن، نه فقط خاستگاه حکومت که نمادی از یکپارچگی جامعه ترکیه بود و نقش شناختی از کردار و اندیشه، گنجینه‌ای از حافظه و نیز احساسی از اقتدار ارایه می‌کرد. هم حکومت و هم جامعه درونمایه عمیق دینی و تکامل مشترک داشتند؛ هر چند اسلام آناتولی همواره تحت تأثیر تنش بین حوزه‌های علمیه اسلام سنتی و کلبه‌های صوفی اسلام دگراندیش و بدعت‌گرا بود.<sup>۱</sup>

بدون شک اسلام در ساخت هویتی ترکیه نقش کلیدی داشته و دارد؛ به عبارتی نقش «علت وجودی» را در تداوم بقای امپراتوری عثمانی ایفا می‌کرد. این امپراتوری در مقاطعی در جایگاه تبدیل شدن به دارالخلافه جهان اسلام قرار گرفت، اما مجموعه بازی‌های غرب که در قالب جنگ و توطئه همراه بود به همراه مسائل و مشکلات داخلی امپراتوری موجب شد از نیمه دوم قرن هجدهم دوره انحطاط را تجربه نماید. مناسبات در این امپراتوری که ۶ قرن بخش بزرگی از جهان اسلام را به مرکزیت

۱. هاکان باووز، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ترجمه احمد عزیز، تهران، نی، ۱۳۸۹، ص ۵۰.

اسلام در ماهیت هویتی ملت ترکیه از ارکان اصلی و تشکیل دهنده به شمار می‌رود؛ به ویژه در دوره امپراتوری عثمانی این عنصر در پیوندهای ملی و اجتماعی نقش بسزایی داشت. بدون اغراق از مهمترین علل شش قرن تداوم حاکمیت این امپراتوری بر بخش عظیمی از جهان اسلام به رغم تمام مشکلات داخلی و خارجی، مسئولیت پذیری تمدنی اسلامی ملت‌های مسلمان بود که اقوام مختلف را در کنار هم نگه می‌داشت

آناتولی تحت نفوذ خود قرار داد، طوری بود که سلطان (به عنوان حاکم امپراتوری) همزمان نهاد خلافت (رهبر دینی جهان اسلام) را نیز بر عهده داشت؛ بنابراین سلطان نه نماینده مردم، بلکه نماینده خداوند در امپراتوری لحاظ می‌شد. اطاعت سیاسی از حاکم وقت وظیفه هر مسلمانی بود و از این رو نظم سیاسی در عین حال نظمی الهی بود. خبرگان شرع مقدس اسلام (یا طبقه روحانیون) در واقع نهادهای مرکزی برای تنظیم نحوه کارکرد جامعه عثمانی بودند. برای شناخت قدرت آنها بایستی به مشاغلی که در اختیار این طبقه بود، دقت نماییم. تا قبل از اجرای

برنامه اصلاحات در عثمانی، قضات و داوران محاکم شرع، اساتید و معلمین، پزشکان و حکیم‌باشی‌ها، ائمه جماعات، پیران و مرشدین اهل تصوف، ریاضیدانان و مدرسین درس منطق، ستاره‌شناسان و منجمین، مسئولین و مأمورین عالی‌رتبه دولتی از بین طبقه فرهیختگان و دانش‌آموختگان (در مدارس موسوم به علمیه) انتخاب می‌شدند.<sup>۱</sup> طی چند قرن حکام عثمانی از طریق «نهاد سلطان - خلیفه» بر قلمرو پهناور امپراتوری عثمانی حاکمیت خود را اعمال می‌نمودند. به علت ارتباطات تنگاتنگ خلفا و سلاطین، اکثر اندیشمندان این دورا به صورت توأم و تحت عنوان «نهاد سلطنت - خلافت» مورد بررسی قرار می‌دهند و کارکردهای آن به عنوان یک الگوی ساختاری برای یک حکومت اسلامی مطلوب، امروزه هم توسط برخی از لایه‌های اسلام‌گرای ترکیه در کانون توجه قرار می‌گیرد.

در پایان قرن نوزدهم به علت ضعف و بحران امپراتوری عثمانی، روشنفکران ترک در برابر این پرسش که سرنوشت امپراتوری چه خواهد شد، پاسخ‌های متعددی دادند. از بین آنها سه رهیافت به گفتمانی اصلی و در نهایت به پارادایم محکمی تبدیل شد. گفتمان اول متعلق به عثمانی‌گری بود که هویت اسلامی - عثمانی را عامل انسجام معرفی می‌کردند. آنها ضمن تأکید بر هویت اسلامی امپراتوری به برابری و حقوق

۱. محمد رضا حیدرزاده نایینی، *تعامل دین و دولت در ترکیه*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰، ص ۳۳-۳۲.





از ۷۴ میلیون نفر جمعیت ترکیه، بیش از ۹۸ درصدشان مسلمان با اکثریت پیرو مذهب حنفی هستند. حدود ۱۵ الی ۲۰ میلیون نفر پیرو طریقت علوی (شیعی علوی) و ۱/۵ میلیون نفر شیعه دوازده امامی هستند. در این کشور بیش از صد طریقت و جماعت اسلامی با قرائت‌های خاصی از اسلام فعال‌اند و برخی از آنها پیروان و طرفداران چشم‌گیری دارند و در حوزه‌های مختلف تأثیرات قابل توجهی را به نمایش می‌گذارند. این امر موجب شده جامعه دینی ترکیه جلوه‌هایی از یک شبکه پیچیده اجتماعی - فرهنگی از خود بروز دهد

شهروندی سایر اقوام و مذاهب و ادیان نیز توجه داشتند؛ در واقع آنان طرفدار تسامح و مدارا بودند. گفتمان دوم با توجه به تحولات بالکان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر این اساس پایه‌گذاری شده بود که غیر مسلمانان خواه، ناخواه از سرزمینی اسلامی رخت خواهند بست؛ بنابراین تأکید محض بر شریعت اسلامی و پان‌اسلامیسم می‌تواند مسلمانان امپراتوری را در کنار هم حفظ نماید. عبدالحمید دوم از امپراتوری اواخر دوره عثمانی، مبلغ و طرفدار این گفتمان بود. سومین رهیافت و گفتمان، پان‌ترکیسم بود که افرادی مانند

یوسف آکچورا یا گروکان آن را مطرح و به شدت دو گزینه اول را رد می‌کردند. شالوده این گفتمان بر این اساس بود که قیام‌های کشورهای مجاور و سرزمین‌های عربی نشان می‌دهد اقوام غیر ترک دل در گرو این امپراتوری ندارند و دنبال استقلال هستند؛ بنابراین به گمان طرفداران این گفتمان و رهیافت، سرزمین ترکیه تنها سرزمین ترک‌هاست. این گفتمان بیش از همه میان ترک‌های جوان طرفدار داشت؛ اگرچه تمام ترک‌های جوان پان‌ترکیست بودند، نسل آخر روشنفکری عثمانی و اولین نسل روشنفکران جمهوری ترکیه را شکل دادند.<sup>۱</sup> این رهیافت در قالب‌های غرب‌گرا، حکومت لائیک و ملی‌گرایی ترک همواره بر نظام سیاسی ترکیه تحمیل شده است.

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی هر کدام از سه پارادایم فکری و گفتمانی یادشده به حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود ادامه داده و طرفداران هر کدام از این پارادایم‌ها در دیالکتیکی سخت، تأثیرات خود را بر سپهر عمومی سیاست‌ورزی ترکیه گذاشتند و برخی از آنها از جمله پارادایم گفتمانی عثمانی‌گرایی به دگردیسی نوینی رسیده و به عنوان نوع‌عثمانی‌گرایی در حوزه عمومی و سیاست‌ورزی ترکیه نمایان شده است.<sup>۲</sup> در واقع اندیشه سیاسی - فرهنگی حزب حاکم عدالت و توسعه هم با این عنوان شناخته

۱. تورج اتابکی، «گذر از کمالیسم سنتی»، شهروند/مروزر، س ۲، ش ۹، اول مرداد ۱۳۸۶، ص ۵۸.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: رحمت‌الله فلاح، تحلیل سیاست خارجی اردوغان در قالب پارادایم نوع‌عثمانی‌گرایی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، س ۹، ش ۳۶، زمستان ۱۳۸۷، ص ۹۷-۱۱۸.

می‌شود.

مقاله پیش رو ضمن اشاره به لایه‌های هویتی اسلامی در ترکیه به دنبال روشن نمودن ماهیت و گونه‌گفتمانی اسلام‌گرایی در اندیشه سیاسی و سیاست‌ورزی حزب حاکم عدالت و توسعه می‌باشد.

### تحلیلی بر بافتارهای مذهبی جامعه ترکیه

از ۷۴ میلیون نفر جمعیت ترکیه، بیش از ۹۸ درصدشان مسلمان با اکثریت پیرو مذهب حنفی هستند. حدود ۱۵ الی ۲۰ میلیون نفر پیرو طریقت علوی (شیعی علوی) و ۱/۵ میلیون نفر شیعه دوازده امامی هستند. در این کشور بیش از صد طریقت و جماعت اسلامی با قرائت‌های خاصی از اسلام فعال‌اند و برخی از آنها پیروان و طرفداران چشم‌گیری دارند و در حوزه‌های مختلف تأثیرات قابل توجهی را به نمایش می‌گذارند. این امر موجب شده جامعه دینی ترکیه جلوه‌هایی از یک شبکه پیچیده اجتماعی-فرهنگی از خود بروز دهد.

نکته مهم این است که در چند دهه اخیر هر کدام از این لایه‌های هویتی دینی-مذهبی در تکاپوی هویت‌یابی سیاسی بوده و در صدد هستند وزن و جایگاه خود را در حوزه عمومی افزایش داده و گفتمان خود را در حوزه سیاست و سیاست‌ورزی توسعه دهند. برای نمونه اگر به تاریخ تحولات سیاسی علویان ترکیه در یکصد سال اخیر نظر بیفکنیم، دگر دیسی سیاسی- هویتی آنها مشخص می‌شود؛ بدین معنی که هویت سیاسی این جماعت بر اثر فشار دولت‌های سنی‌مذهب امپراتوری عثمانی و حتی بعد از آن با بحران مواجه شده است. آنها در هیچ تاریخی نتوانسته‌اند هویت سیاسی مستقلی در جغرافیای آناتولی داشته باشند. به همین علت، بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، هویت سیاسی علویان در قالب‌های «مدافع نظام سکولار آتاتورک»، «مدافع احزاب چپ سوسیالیسم» و حتی «مخالفان احزاب اسلام‌گرا» بروز یافته است. اما هیچ کدام از رویکردهای مذکور بیان‌کننده هویت سیاسی علویان نبوده، بلکه صرفاً جهت‌جلوگیری از تعرض احزاب و اندیشه‌های افراط‌گرایان سنی‌مذهب به اجبار چنین رویکردهایی را اتخاذ می‌کرده‌اند. اما در سال‌های اخیر جامعه علویان ترکیه با درک شرایط، در تکاپوی هویت‌طلبی سیاسی، کنش‌های سیاسی و اجتماعی خود را تنظیم می‌کنند. با در نظر گرفتن مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های علویان ترکیه و با توجه به بسترهای داخلی و خارجی، می‌توان گفت که جامعه علوی ترکیه در دهه آینده خواهد توانست هویت





سیاسی مستقل خود را در قالب احزاب سیاسی قدرتمند به نمایش بگذارد.<sup>۱</sup> شیعیان دوازده‌امامی هم با اینکه در اقلیت هستند، از وضعیت انفعالی تاریخی خارج شده و نسبت به وزن خود در حوزه عمومی و سیاسی رفتار و قاعده‌مندی مستحکمی را به نمایش می‌گذارند. اینها در چند سال اخیر با الهام از اقتدار سیاسی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به عمق استراتژیک آن، تعاملات مقتدرانه‌ای را با نظام سیاسی لائیک ترکیه به نمایش گذاشته‌اند. برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم با اجتماع صد هزار نفری در شهر استانبول که یک شهر توریستی است و حضور نمایندگان در سطوح عالی از جمهوری اسلامی ایران در این مراسم بیانگر این است که استیلای سیاسی و فرهنگی سکولارهای ترکیه ضربه جدی خورده است.

کارکرد شبکه‌های طریقتی و جماعت‌ها نیز محدود به حوزه دینی - مذهبی و مکتبی نماند و نقش خود را به حوزه سیاسی بروز داد. البته لازم به ذکر است که اسلام ریشه‌دار ترکیه از ابتدا با فعالیت‌های بزرگان عرفان و تصوف مانند مولانا جلال‌الدین رومی و حاج بکتاش‌ولی نیشابوری صورت خاص صوفی‌مآبانه به خود گرفت و هنوز هم این جو اسلام آمیخته با تصوف در ترکیه حاکم است. بنابراین، برخی پژوهندگان مسائل دینی در ترکیه، طریقت‌ها را مهم‌ترین و مفصل‌ترین شکل بروز اسلام مردمی در ترکیه می‌دانند.<sup>۲</sup> رهبران طریقت‌ها علاوه بر داشتن جایگاهی والا در امپراتوری عثمانی، در جریان جنگ‌های استقلال نیز همکاری چشم‌گیری را با ملی‌گرایان و آتاتورک داشتند. پس از حاکم شدن اندیشه سکولاریسم بر جامعه توسط آتاتورک، جایگاه طریقت‌ها و تصوف تضعیف شد. سرانجام پس از دهه ۱۹۵۰ که فضای سیاسی کشور انعطاف یافت و احزاب مختلف فرصت فعالیت پیدا کردند، فعالیت طریقت‌ها و تصوف نیز از حالت غیر علنی و پراکنده خارج شد و شکلی سازمان‌یافته‌تر به خود گرفت.

در این دوره طریقت‌ها نقشی اساسی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی ترکیه یافتند و از نگاه جامعه‌شناسی سیاسی دیگر نمی‌توان مناسبات قدرت را در ترکیه بدون توجه به این گروه‌ها تحلیل کرد. اکثریت احزاب و گروه‌های سیاسی برای رسیدن به قدرت یا حفظ قدرت در تلاش‌اند وابستگی خود را به یکی از طریقت‌های مطرح در جامعه ترکیه نشان دهند. به عبارت دیگر هر یک از احزاب یا نخبگان سیاسی به نوعی در صدد جست‌وجوی مشروعیت مذهبی برای خود درون نظام سیاسی غیر دینی

۱. برای اطلاع بیشتر رک: رحمت‌الله فلاح، «علویان ترکیه در تکاپوی هویت‌طلبی سیاسی»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، س ۷، ش ۲۸، زمستان ۱۳۸۵، ص ۳۱-۷.  
 ۲. محمدرضا زارع، علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۳، ص ۲۵۱.

در چند دهه اخیر هر کدام از لایه‌های هویتی دینی - مذهبی در ترکیه در تکاپوی هویت‌یابی سیاسی بوده و در صدد هستند وزن و جایگاه خود را در حوزه عمومی افزایش داده و گفتمان خود را در حوزه سیاست و سیاست‌ورزی توسعه دهند

هستند. مهم‌ترین نقش این طریقت‌ها، تأثیر بر روند انتخابات است. از این رو صحنه سیاسی به محلی برای چانه‌زنی نخبگان سیاسی با رهبران و شیوخ طریقت برای کسب محبوبیت نزد مردم و اخذ آرای بالاتر در انتخابات تبدیل شده است.<sup>۱</sup>

مجله *استر/تژی* چاپ استانبول در گزارشی در خصوص قدرت طریقت‌ها می‌نویسد:

ورود به صحنه سیاست داخلی ترکیه نیاز به اخذ ویزا از یک یا چند رهبر مذهبی یا طریقتی دارد. دیگر بین نخبگان سیاسی وجود ندارد که به نوعی مرید یک فرقه یا طریقت نباشد یا برای جلب حمایت یک پیر یا شیخ در یوزگی نکند.<sup>۲</sup>

به هر حال بخشی از تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه ترکیه در حوزه فعالیت شبکه‌های طریقتی ترکیه معنا می‌یابد. یکی از این شبکه‌ها که تأثیری چشم‌گیر بر رویکرد فکری و فلسفی حزب عدالت و توسعه دارد و از آن حمایت می‌کند، جماعت نورجی به رهبری فتح‌الله گولن است که به جنبش گولن معروف است. هدف اصلی جنبش گولن، ایجاد جامعه اسلامی متعهد و در عین حال برخوردار از علم و معرفت، فناوری جدید و مترقی است تا دوران تفوق جهان غرب بر جهان اسلام به سر آید. امروزه نام فتح‌الله گولن با اصطلاح اسلام روشنگر یا معتدل ترک گره خورده است؛ زیرا وی و هوادارانش جنبش دینی - مدنی مدرنی را تأسیس کرده‌اند که مدرنیته را با دین‌ورزی، ناسیونالیسم، تسامح و مردم‌سالاری پیوند داده و اسلام، ناسیونالیسم و آزادی‌خواهی را در کانونی واحد گرد آورده است.<sup>۳</sup> البته این بدان معنا نیست که طریقت‌ها همیشه دنبال قرائت معتدلی از اسلام بوده و هستند. برخی طریقت‌ها و جماعت‌ها با قرائت رادیکالی زمینه‌های نفوذ القاعده و سایر گروه‌های تندرو مذهبی به ترکیه نیز شدند؛ هر چند فرهنگ جامعه ترکیه پذیرای رادیکالیسم و خشونت‌طلبی نبود. برای نمونه جماعت‌های متشکل یافته‌ای مانند جماعت ابداع یا «جبهه اسلامی شرق بزرگ ترکیه» جماعت عرب‌کندی، جماعت اسدی افندی، جماعت لغزایچی، جماعت یا گروه صف، جماعت

۱. محمد رضا حیدرزاده نایینی، همان، ص ۲۲.

2. Stvategy, Tavikatler, No12. (2.yil), Istanbul Apr 2000.

۳. برای اطلاع بیشتر رک: رحمت‌الله فلاح، «ماهیت‌شناسی جنبش اسلامی فتح‌الله گولن در ترکیه»، فصلنامه *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، س ۱۱، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۲۲۲-۲۰۵.



اقتباس، جماعت پینار، جماعت رساله، گروه وحدت شاهیل و جماعت اتحاد اسلامی هر چند به دنبال گسترش القاعده نیستند، از آنجا که در برخی و حتی در بسیاری از اهداف با القاعده هماهنگی دارند، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه به عنوان بستر توده‌ای و اجتماعی القاعده در ترکیه محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup>

در واقع جمع‌بندی آنچه بافتار لایه‌های اسلامی و دینی در جامعه ترکیه از آن یاد شده، بیانگر آن است که مبحث اسلام‌گرایی مورد تبلیغ در جامعه ترکیه در یک قالب هویتی شکل نگرفته بلکه از مجموعه‌ای از خاستگاه‌ها و لایه‌های مذهبی - مکتبی شکل گرفته است و کارکردهای متمایزی را در حوزه عمومی به نمایش می‌گذارد؛ وجه اشتراک آنها در این است که همه آنها در سال‌های اخیر به دنبال هویت‌طلبی سیاسی یا سهم‌خواهی سیاسی هستند.

اما در یک نگاه ماهواره به سپهر عمومی اسلام‌گرایی در ترکیه، بیشتر دو یا سه نوع شاخصه و جریان فکری نمایان است که در ادامه مقاله بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

### انقلاب اسلامی و نقش کارکردگرایانه اسلام سیاسی در ترکیه

آنچه امروزه با عنوان اسلام‌گرایی در حوزه سیاست ترکیه نامیده می‌شود و تحلیل‌های مختلف حول محور آن به وجود آمده در سه سطح قابل بررسی است. در سطح اول اسلام‌گرایان قصد دارند حکومت اسلامی بر پایه قضایای بنیادین دین ایجاد کنند، به طوری که همه جنبه‌های زندگی در آن جامعه با تعاریف معین شریعت و تفاسیر اسلامی، تطابق داشته باشد (اسلام‌گرایی به عنوان پروژه سیاسی)؛ در این سطح اسلام‌گرایان قصد دارند قدرت دولتی را به تصرف خود در آورند و بدین وسیله به فرآیند اسلامیزه کردن کشور اقدام کنند. اما سطح دوم گفتمان اسلام‌گرایی قصد بازسازی جنبه‌های اجتماعی جامعه را دارد تا آنها را با هنجارها و اصول کلی اسلام سازگار کند. در این فرآیند عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی با سنت‌های فرهنگ اسلامی ارتباط برقرار می‌کند (اسلام‌گرایی به عنوان پروژه اجتماعی)؛ اما سطح سوم اسلام‌گرایی شامل گرایش شدیدی برای در هم آمیختن ویژگی‌های اسلامی درون سیستم سکولار ترکیه است (اسلام‌گرایی به عنوان سیاست هویتی)؛ هدف نیز تغییر شکل جامعه یا بسط آزادی‌هاست تا هر شخصی این اجازه را داشته باشد که مطابق اصول اسلامی زندگی

۱. برای اطلاع بیشتر رک: رحمت‌الله فلاح، «سایه القاعده در ترکیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۳۰ و ۳۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۰۱-۹۷.





کارکرد شبکه‌های طریقتی و جماعت‌ها نیز محدود به حوزه دینی - مذهبی و مکتبی نماند و نقش خود را به حوزه سیاسی بروز داد. البته لازم به ذکر است که اسلام ریشه‌دار ترکیه از ابتدا با فعالیت‌های بزرگان عرفان و تصوف مانند مولانا جلال‌الدین رومی و حاج بکتاش‌ولی نیشابوری صورت خاص صوفی‌مآبانه به خود گرفت و هنوز هم این جو اسلام آمیخته با تصوف در ترکیه حاکم است. بنابراین، برخی پژوهندگان مسائل دینی در ترکیه، طریقت‌ها را مهم‌ترین و مفصل‌ترین شکل بروز اسلام مردمی در ترکیه می‌دانند

کند.<sup>۱</sup> بروز اسلام‌گرایی سیاسی تادده ۱۹۶۰ سخت و دشوار بود. چون نظام سیاسی جمهوری که از سال ۱۹۲۳ توسط آتاتورک بر مبنای سکولاریسم ملی‌گرایی بنیانگذاری شد، صرفاً به تفکیک دین از دولت ختم نشد، بلکه خواهان تسلیم دین در برابر قوانین حکومتی، تقویت یک «اسلام دولتی» قابل قبول برای نخبگان سیاسی و دیدگاه غیر تخصصی اسلام در قبال رژیم سکولار بود. در واقع سکولاریسم در ترکیه نه تنها خواهان مرکز‌دایی از اسلام بود، بلکه قصد داشت آن را با مبانی جدید مشروعیت در دولت جمهوری انطباق دهد.<sup>۲</sup> اما زمانی که در دهه ۱۹۶۰ در نتیجه سیاست‌های اقتدارگرایانه حزب دموکرات با شکست مواجه شد، متحدان جامعه مدنی خواهان ترویج قانون

اساسی لیبرال‌تری شدند. هدف اصلی آنها قرار دادن قدرت حکومت انتخابی در مقابل نخبگان حکومتی غیر انتخابی بود. همچنین آنها با استفاده از قانون اساسی ۱۹۶۰ سعی کردند حوزه سیاسی متکثرتری به وجود آورند. در نتیجه جنبش‌ها و احزاب مختلف سیاسی، از جمله جنبش‌های اسلام‌گرا در جامعه ترکیه پدید آمدند.

در این مورد علاوه بر متغیرهای درونی ترکیه، برخی عوامل منطقه‌ای هم در گسترش این‌گونه جنبش‌های اسلام‌گرا تأثیر مستقیم داشتند. یکی از این متغیرهای مهم بیرونی که بر ایجاد خودآگاهی دینی جامعه ترکیه تأثیر گذاشت، پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بود. مهم‌ترین جنبش اسلام‌گرایی که تحت تأثیر این فضای باز سیاسی به وجود آمد جنبش نگرش ملی بود که توسط نجم‌الدین اربکان با حمایت قابل توجه برخی از طریقت‌ها پایه‌ریزی شد. علت پیدایش جنبش نگرش ملی پیشرفت مدرنیزاسیون در بستر جامعه ترکیه است. هیئت مؤسسان آن بیشتر از افراد

۱. جواد امام‌جمعه‌زاده و دیگران، «چرخش گفتمانی در راهبردهای اسلام‌گرایان ترکیه و علل آن»، *آفاق امنیت*، دوره جدید، س ۳، ش ۶، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۴۷.

2. Davidson, A. (2003), "Turkey, A "secular" state? Challenge of Description" *South Atlantic quarterly*, 102: 50-333.



محافظه کار تشکیل شده‌اند. از این رو جنبش عمدتاً تمایل به کاربرد زبان اسلامی در مسائل اقتصاد سیاسی و اشاره به اخلاقیات اسلامی در حل مسائل اجتماعی داشت. آنچه جنبش نگرش ملی بر آن تأکید می‌کرد این بود که اجرای آزادی مذهب باید از کنترل دولت خارج و تفسیر کمالیستی از سکولاریسم به عنوان «دیکتاتوری غیر مسلمان» رد شود. بنابراین برنامه سیاسی اربکان از ابتدا خواستار از بین بردن همه بندهایی از قانون اساسی و حقوق جزایی بود که استفاده سیاسی از مذهب را ممنوع کرده بودند. یکی از احزاب سیاسی که از دل جنبش ملی پدید آمد حزب رفاه بود که بین سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۸۳ تشکیل شد. البته این حزب چون قصد داشت پایگاه اجتماعی خود را به فراسوی توده‌های اسلامی بسط دهد، تصمیم گرفت از ایدئولوژی سکولاریسم (با تفسیری متفاوت از کمالیست‌ها) حمایت کند. به طور مشابه، روشنفکران اسلام‌گرای جدیدی که از دل جنبش نگرش ملی طی سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بیرون آمده بودند، فراروایت‌های قرن نوزدهم اروپایی مثل پیشرفت، علم، عقل و تمدن را رد می‌کردند و مدرنیته مورد نظر غرب را در برابر اسلام قرار می‌دادند. بنابراین می‌توان استدلال کرد این اسلام‌گرایان تحت تأثیر روشنفکران برجسته غربی از برخی نظریات پسااستعماری، کمونترانیستی و پسامدرن در نقد کمالیسم، پوزیتیویسم و مدرنیته استفاده می‌کردند.<sup>۱</sup>

در مجموع در دوره حزب رفاه، اسلام سیاسی به بازیگری مهم در سیاست‌های ترکیه تبدیل شد. طی سال‌های ۱۹۹۴ این حزب توانست در انتخابات شهرداری در شهرهای مهمی مانند استانبول و آنکارا به پیروزی برسد. همچنین در سال ۱۹۹۵ حزب رفاه برای اولین بار بالاترین رأی را در طول تاریخ خود (۲۳ درصد) به دست آورد و توانست نجم‌الدین اربکان را به نخست‌وزیری برساند و همراه با حزب راه راست حکومتی ائتلافی تشکیل دهد. اما پس از مدتی ارتش تصمیم به ایفای نقش فعال تری در تصمیم‌های سیاسی ترکیه گرفت و طی فرآیند به اصطلاح ۲۸ فوریه به منظور دفاع از سکولاریسم، هر گونه فعالیت اسلامی را در عرصه عمومی ممنوع کرد. طی همین مدت حزب رفاه و جانشین آن حزب فضیلت، توسط دادگاه قانون اساسی به علت تخلف از اصول سکولاریستی منحل شدند. از این مرحله جنبش اسلام‌گرای ترکیه دچار انشقاق شد و از دل این جنبش طیف‌هایی با اندیشه‌های متفاوت و منعطف ظهور یافتند که امروزه

1. Cinar, M. and Kadioglu, A. (1999), "An Islamic Critique of Modernity in Turkey: Politics of Difference Back-wards". *orient*, 40: 53-69.

به عنوان حزب عدالت و توسعه بخش مهمی از حاکمیت ترکیه را به دست گرفته‌اند. به هر حال سطح‌های اول و دوم اسلام‌گرایی در ترکیه، همواره با مقاومت سفت و سخت کمالیست‌ها مواجه شده‌اند؛ بنابراین اسلام‌گرایان سعی کرده‌اند با فهم علل فرآیند ۲۸ فوریه، از ادعاهای خود درباره سطح‌های اول و دوم اسلام‌گرایی دست بکشند. لایه سوم سیاست اسلام‌گرایی با ارجاع به ارزش‌های فرهنگی ملت ترکیه بازنمایی می‌شود. در این رویکرد و گفتمان، جلوه‌هایی از اسلام هویت‌گرا به جای اسلام سیاسی در حوزه عمومی نمایان می‌شود که در ادامه به دو لایه هویتی اسلام‌گرایی در عرصه سیاسی-اجتماعی جامعه ترکیه اشاره می‌شود:

### الف. رویکرد معرفتی و گفتمانی اربکان

اسلام سیاسی مورد نظر نجم‌الدین اربکان که تبلور و اوج آن در حزب رفاه بود، ویژگی‌های متمایزی داشت:

۱. **نقش اقتصادی دولت:** معتقد بودند نقش دولت در توزیع منافع و ایجاد جامعه‌ای عادلانه اهمیت دارد. این اهمیت در همان حد خصوصی‌سازی است. (حزب رفاه)
۲. **دموکراسی‌سازی:** فهم جمعی از دموکراسی؛ نفی فردباوری؛ تأکید بر حقوق جمعی و دینی. نظام حزبی رهبرمحور و نفی کثرت‌گرایی و همگن‌سازی از طریق اسلام، هدف فراگرد سیاسی است.
۳. **ناسیونالیسم:** ناسیونالیسم ترک-عثمانی. ترک بودن با اسلام و میراث عثمانی و ترکیه اسلامی تعریف می‌شود؛ اتحادیه اسلامی.
۴. **منشأ ارزش‌ها:** ارزش‌های دینی به عنوان نظامی آموزشی برای تبدیل شدن به «انسان اخلاقی»؛ برای خلق یک جامعه عادلانه ارزش‌های اسلامی باید در نظام سیاسی ادغام شود. جای چندان برای ارزش‌های سکولار وجود ندارد.
۵. **مرکز‌محوری در برابر دولت محلی:** نقش فعال دولت مرکزی در جهت تأمین عدالت و دستیابی به رشد.
۶. **سیاست خارجی:** ضد غربی و ضد اتحادیه اروپایی بود و عضویت ترکیه اسلامی در ساختار ناتو را متضاد با هویت ملی و فرهنگ سیاسی ملت مسلمان ترکیه می‌دانستند. طرفدار مناسبات نزدیک با کشورهای اسلامی بوده و به طور کلی اتحادیه اسلامی محور گفتمان سیاست خارجی آنهاست. در دولت، پی‌گیر سیاست خارجی سنتی ترکیه بودند.
۷. **حکومت:** حکومت تا آنجا مورد احترام است که پاسدار ارزش‌ها و ملاحظات دینی



باشد و در صورت ایجاد محدودیت برای آزادی‌ها و حقوق دینی باید مورد نقد قرار گیرد. هدف اسلامی کردن حکومتی است که باید پاسدار ارزش‌های دینی باشد.

**۸. مسئله کردی:** از «وحدت ملی» بر اساس تعاریف دینی حمایت می‌کند و وفاداری اسلامی را راه حلی برای جدایی‌طلبی کردی به حساب می‌آورد؛ هوادار حقوق فرهنگی، آموزشی و نیز پخش برنامه‌های رادیو-تلویزیون و آموزشی-دینی به زبان کردی است.

### ب. اسلام‌گرایی نوین؛ اردوغانیسم در عرصه سیاست‌ورزی

آگوست سال ۲۰۰۱ بخش جوان‌تر و اصلاح‌طلب‌تر حزب فضیلت به رهبری عبدالله گل، به پشتوانه بورژوازی نوخاسته آناتولیایی، حزب عدالت و توسعه را تشکیل دادند. حزب در پی فروپاشی در سال ۲۰۰۲ خود را در بحبوحه انتخاباتی یافت که بنا بود در سوم نوامبر همان سال برگزار شود؛ تا اینکه در این انتخابات با کسب ۴۳/۳ درصد آرا به قدرت رسید. این اتفاق در عرصه سیاسی ترکیه همه را شگفت‌زده کرد تا جایی که برخی تحلیلگران این واقعه را به «زلزله سیاسی» تعبیر کردند.<sup>۱</sup>

اولین واکنش نخبگان سکولار در برابر این حزب نشان‌دهنده احساس نگرانی و شک و تردید آنها درباره این موضوع بود که نگرش و طرز فکر رهبران این حزب چیست؟ آیا عملکرد آنها در جهت تاریخ دوپست‌ساله نوسازی ترکیه است یا نه؟

رهبران حزب عدالت و توسعه همواره تأکید می‌کنند که حزبشان، حزبی اسلامی نیست و پذیرش ارزش‌های اسلامی توسط حزب، آن را در جایگاهی متفاوت از احزاب دموکرات مسیحی آلمان و سایر کشورهای اروپایی قرار نمی‌دهد. برخی تحلیل‌گران معتقدند که اردوغان و همراهان نزدیک وی معرف «جناح نوگرایی» حزب رفاه هستند. در واقع اردوغان حزبی را تأسیس کرد که «به منظور سازگاری بیشتر با واقعیت‌های نظامی-سیاسی سکولار، به بازتعریف هویت خود اقدام کرد.»<sup>۲</sup>

اعضای پیشین حزب رفاه در حزب عدالت و توسعه، خود را در مقایسه با اسلام‌گرایان، حزبی محافظه‌کار معرفی کرده‌اند. امروز حزب عدالت و توسعه در برنامه حزبی خود به طور جدی به دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و حمایت روشن از سکولاریسم تأکید می‌کند. بنابراین میانه‌روی گفتمان سیاسی حزب و تصمیم‌راهبردی حزب برای

1. Georg E. Gruen, "Turkey's Political Earthquake: significance for the united states and the Region" American Foreign Policy interests Vol.25, No2, (April 2003), p.87.

2. Hasan Turunc "Islamicist or Democratic? The Akps seavch For Identity" journal of contem Porary European studies, Vol. 15, No. 1 , Apvii 2007, p.81.

ایجاد سازگاری بیشتر با نظام سیاسی، پس از دوران تجربه اندوزی سیاسی رهبران آن، جریان مسلط اسلامی در ترکیه را به یک حزب سیاسی کارگشته و با تجربه، پیشرفته و میانه‌رو تبدیل کرد که در حیات سیاسی ترکیه نقش مهمی ایفا می‌کند. به رغم ادعاهایی که حزب عدالت و توسعه را از یک حزب اسلام‌گرا، محافظه‌کارتر می‌دانند، نگرش حزب به نوگرایی و نقش

عمومی اسلام، نشانه‌هایی روشن از تعلق خاطر رهبری حزب به اسلام را به همراه دارد. «بیانیه ایدئولوژیک حزب آن را دموکرات محافظه‌کار معرفی و بر این مسئله تأکید می‌کند که باید مدرنیته را در تمام ابعادش پذیرفت، اما باید بنیادهای فلسفی مدرنیته را از کج‌فهمی و سوء تفاهم‌ها پاکسازی و آن را با ارزش‌های بومی ترکیب کرد.»<sup>۱</sup> از این جنبه، حزب عدالت و توسعه با سیاست نوظهور خود سعی دارد قرارداد اجتماعی جدیدی میان بخش‌های مختلف جامعه ترکیه ایجاد کند. این سیاست جدید روی راهبردی سه لایه بنا شده است:

۱. اتخاذ زبان دموکراسی و حقوق بشر به عنوان سپر گفتمانی.
۲. بسیج حمایت توده‌ای به عنوان شکلی از مشروعیت دموکراتیک.
۳. ایجاد ائتلاف لیبرال دموکراتیک با بخش‌های مدرن - سکولاری که حزب عدالت و توسعه را یک بازیگر سیاسی مشروع تلقی می‌کنند.

این راهبرد سه لایه‌ای حزب را قادر می‌سازد بازرگانان، مردم فقیر و گروه‌های محافظه‌کار - مذهبی را در کنار هم جمع کند. در این راستا آشکار است که سیستم شبه‌دموکراتیک در ترکیه به ملایم کردن اسلام‌گرایان کمک زیادی کرده است، زیرا در این سیستم، اسلام‌گرایان قادرند سیاست‌های هویتی خود را در درون نظام دنبال کنند. این امر نه تنها موجب می‌شود نسل جوان اسلام‌گرایان اصلاح طلب سیاست‌های خود را از تجربه حکومتی حزب رفاہ متمایز کنند، بلکه سعی دارند از فرصت پیش آمده توسط دموکراسی و عضویت در اتحادیه اروپا استفاده کنند در حالی که اسلام‌گرایان سابق

1. Senem Aydin and Rusen cakir "Political Islam in Turkey" Brussels: Centre Foe EuroPan Policy studies, 2007, p. 116.





غرب‌گرایی را پدیده مضر می‌دانستند که مسئول همه مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جهان اسلام بود.

قرائت حزب عدالت و توسعه از هویت حزبی با تمام ابهاماتی که دارد مبین این است که اسلام در خمیرمایه اندیشه‌ای آن نقش اساسی دارد. رهبری حزب به دلایل عملی ترجیح می‌دهد خود را بخشی از «دموکراسی محافظه‌کار» بداند و ریشه‌های فرهنگی و دینی هویت و نظام ارزشی ترک را بپذیرد. هویتی که در عین تأکید بر ارزش‌های مورد انتظار جامعه آرمانی ترک، از حزب در برابر اتهامات اسلام‌گرایی حفاظت می‌کند و امکان هم‌ذات‌پنداری هم‌زمان آن با اسلام و دموکراسی را فراهم می‌سازد. حزب عدالت و توسعه تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی تصمیم گرفته بود تا در صحنه سیاسی با هویتی محافظه‌کار - به جای پسوند اسلامی - ظاهر شود. در عین حال که محافظه‌کاری پژواک چندانی در سطوح مردمی ندارد، رهبری حزب سعی در تبیین آن به عنوان مفهومی اسلامی، سنتی و حتی لیبرال دارد. در این تفسیر هویت فرهنگی لزوماً تداخلی با هویت سیاسی ندارد و این دو در مواردی در تقابل نیز بوده‌اند. در این باره اردوغان، طی سخنانی در استانبول در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۴ گفته بود که فلسفه حزب عدالت و توسعه ریشه در «سنت‌های اجتماعی و فرهنگی» ترکیه دارد و «بازتابی از یک نظام ارزشی بومی و عمیقاً ریشه‌دار» است. بنابراین باور نظام‌های ارزشی محلی - بومی تا حد زیادی هویت حزب را بازتاب می‌دهند.<sup>۱</sup>

با این اوصاف به مبانی رفتاری اسلام‌گرایان نوین که در قالب حزب ظهور و بروز می‌کند، اشاره می‌شود.

### مبانی رفتاری اسلام‌گرایان نوین ترکیه

امروزه اسلام‌گرایان ترکیه که در قالب حزب عدالت و توسعه بر سپهر عمومی جامعه ترکیه سیاست‌ورزی می‌کنند، توانستند در طول ده سال از حاکمیت‌شان مبانی رفتاری و گفتمانی خاصی را به نمایش بگذارند که قالب تئوری‌ها و چهارچوب‌های گفتمانی آن را می‌توان معرف رفتار اکثریت نسبی جامعه ترکیه دانست. به همین جهت از زوایای مختلف به نگاه اسلام‌گرایان نوین که به اسم «دموکرات‌های محافظه‌کار» فعالیت می‌کنند، اشاره خواهیم کرد:

۱. مفهوم «دموکراسی محافظه‌کار» در چهارچوب سه گفتمان بنیادین - ارزش‌های

۱. هاگان یاووز، همان، ص ۱۴۹.

خانواده (از نوع پدرسالارانه)، میهن پرستی مبتنی بر تاریخ عثمانی (عشق به ملت ترک-مسلمان) و پارسایی (سرچشمه اخلاق)-دنبال می‌شود.

۲. توجه به نوع‌مانی در رویکرد بین‌المللی؛ نوع‌مانی‌گرایی آمیزه‌ای از مطلوبیت‌های تاریخی، جغرافیایی

و فرهنگی ترکیه را به تصویر می‌کشد؛ با اینکه نوع‌مانی‌گرایی یک ایدئولوژی به شمار نمی‌رود، به عنوان رویکردی جدید با برجسته کردن عناصر تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی به محیط ژئوپلیتیک ترکیه معنایی تازه می‌بخشد. در درون این رویکرد، جلوه‌هایی از اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی، شرق‌گرایی و غرب‌گرایی دیده می‌شود. در تفسیر نوع‌مانی‌گرایی، در ظرف معرفتی انسان ترکیه‌ای سه عنصر هویتی «مسلمان خاورمیانه‌ای»، «ترک اوراسیایی» و «شهروند اروپایی» با یکدیگر پیوند منطقی و معنادار برقرار می‌کند. اگرچه هیچ‌یک از عناصر هویتی در فضای جدید ترکیه (دوران حزب عدالت و توسعه) حالت قهقرایی و جزمیت به خود نگرفته‌اند، اما با مفاهیم مدرن و جهان‌شمول مبتنی بر ادله‌های بومی در حال تبدیل به الگویی سیاسی در منطقه است.

۳. منشأ ارزش‌ها: ارزش‌های دینی در عین اهمیتی که به آن داده می‌شود یک نظام ارزشی برای شکل‌گیری مباحث عمومی به حساب نمی‌آیند. از گفتمان حقوق بشری برای خلق یک نظام ارزشی نوین بهره‌برداری می‌شود. باور به خداوند جزء مباحث ارزشی نیست. بر مسئولیت، موفقیت و رقابت فردی تأکید می‌شود.

۴. بازار به عنوان حلال همه مشکلات اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌شود و کارآمدی و بهره‌وری را افزایش می‌دهد. خصوصی‌سازی مورد حمایت قرار می‌گیرد و از نقش دولت در اقتصاد حمایت می‌شود.

۵. ناسیونالیسم: میهن پرستی مبتنی بر قانون اساسی. بازتعریف ترک بودن بر محوریت قومیت به منظور شناسایی و جذب اکراد بر اساس هویت آنان. گفتمان غیر شفاف و مبهم در زمینه ناسیونالیسم و دولت‌گرایی.

۶. ایدئولوژی هویت: ترکیب ترک-اسلامی، قومی-دینی و ترک اسلامی تعریف شده در چهارچوب ارزش‌های سنتی آناتولیایی، هوادار حکومت و طرفدار گسترش جامعه

در واقع جمع‌بندی آنچه بافتار لایه‌های اسلامی و دینی در جامعه ترکیه از آن یاد شده، بیانگر آن است که مبحث اسلام‌گرایی مورد تبلیغ در جامعه ترکیه در یک قالب هویتی شکل نگرفته بلکه از مجموعه‌ای از خاستگاه‌ها و لایه‌های مذهبی-مکتبی شکل گرفته است و کارکردهای متمایزی را در حوزه عمومی به نمایش می‌گذارند



مدنی مشتمل بر جماعات و محلات، خدمت به ارزش‌های ملی و معنوی، به عنوان رسالت‌نمایی مورد استقبال و احترام است.

۷. حکومت: به حکومت باید احترام گذارد و از آن اطاعت کرد؛ پاسدار ارزش‌های ملی و سنتی است و چون «پدر» باید به آن نگرست.

۸. سکولاریسم: دین امری هم عمومی و هم خصوصی است. حکومت باید فارغ از نفوذ دین باشد. حکومت می‌تواند در فرآیند حفظ و تداوم ارزش‌های دینی دخالت کند. سکولاریسم امری مربوط به حکومت است و نمی‌توان از شهروندان انتظار سکولار بودن داشت.

۹. مسئله کردی: تمامیت ارضی و وحدت ملی والاترین اصول به حساب می‌آیند. هویت ترکی، هویتی نیمه-ملی است و در سطوح خصوصی و عمومی قابلیت ماندگاری دارد. مخالف هر گونه امتیاز سیاسی برای جدایی طلبی کردی است. باور و اعتماد به دورانی طولانی از مشارکت در فرهنگ واحد با اکراد.

### مبانی رفتاری جامعه دیندار ترکیه

• هویت‌ها، نهادها و شبکه‌های دینی به لحاظ انباشت سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری جنبش‌ها پراهمیت هستند. هویت‌ها و باورهای دینی از گروه‌های به حاشیه رانده شده در برابر طبقات مسلط حمایت می‌کنند و به نام عدالت ابزارهای مفهومی لازم برای مقابله با دولت‌های سرکوب‌گر را در اختیار آنان می‌گذارند. تحولات سیاسی جاری در ترکیه را جامعه مدنی شکل داده و هدایت می‌کند؛ و تغییرات اجتماعی و اقتصادی در آن مقدم بر تغییرات سیاسی هستند.

• انقلاب محافظه‌کارانه، به دلیل نهادینه شدن زبان پیوندی و به لحاظ سیاسی «متوازن» در آن و نیز ورود بازیگرانی جدید، یک دگردیسی گام به گام و از پایین به بالا، با هدف چیرگی بر زبان سیاسی، جامعه و سرانجام دولت است. گروه‌های اسلامی با اشراف بر جامعه سیاسی چیرگی بر حکومت را دنبال می‌کنند. اسلام، با دولت حزب عدالت و توسعه به مرجع مناقشه‌ناپذیر هویت ترکیه تبدیل شده است.

• زبان اخلاقی نوین در عرصه سیاست ترکیه تکامل می‌یابد که تا حد زیادی محصول گفتمان جهانی حقوق بشری و متضمن بازتعریف مفاهیم حکومت، هویت، سکولاریسم و جامعه سیاسی در سایه چهار دگردیسی هم‌پیوندی است. این دگردیسی‌ها ماهیت اقتصادی (ایجاد شرایط بازار)، ایدئولوژیک (به هنگام شدن ارزش‌ها و اندیشه اسلامی)،



اجتماعی (توسعه شهرنشینی، آموزش عالی و ارتقای تحرک اجتماعی) و سیاسی (دموکراسی سازی حکومت و تعمیق جامعه مدنی) دارند.

• در یک دهه اخیر مهم ترین انقلاب در سطح ذهنیت ها رخ داده و دگرگونی عمده دیگر در حوزه بازتعریف حکومت رخ داده است. حکومت پیش از آن مفهومی نیمه مقدس بود که در آن ملت ترک و اسلام در خدمت حکومت تعریف می شدند. این مفهوم الان دگرگون شده و حکومت در

زمره مجموعه نهادهایی قرار گرفته که می بایست کمر به خدمت مردم بیند و از ساختار ارزشی جامعه پاسداری کند.

• در سالیان اخیر و در فضای تداوم نبرد مفهومی میان اسلام گرایی و سکولاریسم، فرآیند دموکراتیزاسیون و توسعه اقتصادی، از راه همسازی و تعدیل مواضع گروه های اسلامی در برابر سکولارها- با بهره گیری از گفتمان حقوق بشر- به تقویت اقتدار اسلامی به زیان سکولاریسم منجر شده است. مهمترین تحول در این زمینه تمسک بیش از پیش سکولارها به گفتمان اسلامی برای دفاع از اندیشه و هویت سکولار است. این تحولات با دامن زدن به جابه جایی عمده ای در مباحث سیاسی ترکیه زبانی فراگیر، قدرتمند و متأثر از اسلام به وجود آورده است. در حال حاضر با تمام چیرگی سکولاریسم بر فضاهای دولتی، زبان اسلامی بیش از سال های ماقبل ۱۹۹۷ بر جامعه آن کشور تسلط دارد.

• ترکیه در مقطعی حساس با سه روند دگرگون ساز مواجه است: ظهور بورژوازی اسلامی؛ گسترش سپهر عمومی؛ و تجلی خودآگاهی تازه حقوق بشری. این روندها بی شک عامل تداوم فرآیند دگرگون سازی ریشه ای زبان سیاسی کشور خواهند بود.

• نتایج جامع ترین بررسی ها بیانگر افزایش قابل شمار کسانی است که «هویت خود را به عنوان مسلمان توصیف کرده اند». نسبت این افراد از ۳۶ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۶ رسید. بر اساس این بررسی ها، ۴۱ درصد از یک حزب سیاسی دین محور پشتیبانی کرده اند.

• در سالیان اخیر هر چند سیاست های مدرنیزاسیون دولت تا حد زیادی زمینه ساز

امروز حزب عدالت و توسعه در برنامه حزبی خود به طور جدی به دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و حمایت روشن از سکولاریسم تأکید می کند. بنابراین میانه روی گفتمان سیاسی حزب و تصمیم راهبردی حزب برای ایجاد سازگاری بیشتر با نظام سیاسی، پس از دوران تجربه اندوزی سیاسی رهبران آن، جریان مسلط اسلامی در ترکیه را به یک حزب سیاسی کارگشته و با تجربه، پیشرفته و میانه رو تبدیل کرد که در حیات سیاسی ترکیه نقش مهمی ایفا می کند





تکامل اپوزیسیون سیاسی اسلامی بودند، فضاها و فرصت‌های سیاسی و اقتصادی بستر لازم را برای شکل‌گیری یک مدرنیته اسلامی فراهم ساخته‌اند. برخی دولت‌ها نیز معمولاً با بهره‌گیری از نهادها و مفاهیم اسلامی به سیاست‌های خود مشروعیت داده‌اند. رابطه بین سکولاریسم حکومتی و نهادهای اسلامی رسمی با چالش جریان سکولار اجتماعی و نیز اسلام‌گرایی جامعه‌محور رو به رو است؛ در نتیجه عرصه دینی شاهد حضور اسلام رسمی دولتی، شبکه‌های سنتی صوفی، جنبش فتح‌الله گولن و همچنین گروه کوچک و خطرناک حزب‌الله کرد است؛ و در واقع میدان هم‌وردی «دین‌شناسانی» است که در فکر مدیریت «وسایل رستگاری»‌اند. رقابت بر سر معنا و نقش اسلام، خود نمود تازه‌ای از گفتمان سیاسی است. سیاست‌ورزی عمیقاً ریشه در شیوه‌هایی از زندگی دارد که در نمادهای گوناگون دینی - سکولار متجلی است.

• دگر‌دیسی جنبش اسلامی ترکیه را از آنجا که در پی بقای سنت‌های عمدتاً محافظه‌کار این کشور و انتقال هویت‌ها و هنجارهای محلی به سطح ملی است، می‌توان انقلاب محافظه‌کارانه نامید و همچنین از آن رو که طالب اخلاقی کردن نهادها و شبکه‌های سیاسی است، باید آن را انقلاب هنجارین قلمداد کرد.

## سرانجام سخن

در ظرف هویتی و معرفتی جامعه مسلمان ترکیه، اسلام نقش محوری و اساسی داشته است؛ طوری که امروزه اکثریت مردم ترکیه در معرفی کیستی و هویت خویش مسلمان - ترک را هم‌زمان به کار می‌برند و در نگاه غربی‌ها ترک بودن مترادف مسلمان بودن است. این امر نشانگر آن است که سیاست‌های فرهنگی غرب‌گرا و سکولار، نزدیک به یک قرن نه اینکه در خلق هویت دولتی موفق نشده بلکه خود متأثر از سپهر عمومی اسلام‌گرایی شده است.

جامعه مسلمان ترکیه با اینکه در مناسبات دین در حوزه سیاست‌ورزی زبان مشترک پیدا کرده اما به علت چند لایه‌ای بودن خرده‌هویت‌ها در تعاملات دین و سیاست و ورود گفتمانی پازل هویتی خویش، به دنبال فضای سیاسی در تکاپوی جدی هستند و به نوعی در صدد هویت‌طلبی سیاسی می‌باشند؛ امری که بر مرکب و مبهم بودن هویت اسلام در دایره سیاسی می‌انجامد. این مورد، هم احزاب و گروه‌های قدرت‌یافته را مجاب می‌سازد رفتاری پیشه نمایند که از مشروعیت بینابینی و جهان‌شمولی لازم برخوردار باشد و از طرفی بخش سکولار حاکمیت و اجتماع ترکیه به راحتی قادر به اتهام‌زنی برای

در ظرف هویتی و معرفتی جامعه مسلمان ترکیه، اسلام نقش محوری و اساسی داشته است؛ طوری که امروزه اکثریت مردم ترکیه در معرفی کیستی و هویت خویش مسلمان - ترک را همزمان به کار می‌برند و در نگاه غربی‌ها ترک بودن مترادف مسلمان بودن است. این امر نشانگر آن است که سیاست‌های فرهنگی غرب‌گرا و سکولار، نزدیک به یک قرن نه اینکه در خلق هویت دولتی موفق نشده بلکه خود متأثر از سپهر عمومی اسلام‌گرایی شده است

حذف آن نباشند. به عبارتی اسلام‌گرایی ترکیه مراحل مختلف را سپری نموده و همواره از لایه‌های متمایزی هم برخوردار بوده است ولی آنچه امروز به عنوان مبانی شناخت و رفتار اسلام‌گرایان نام برده می‌شود مبتنی بر بنیادهای حقوق بشری است که اسلام را مجموعه‌ای از ارزش‌های حیاتی برای ملت به کار می‌برد و می‌کوشد سکولاریسم را به عنوان آب‌شخور تنش و قطب‌بندی اجتماعی از راه بازتعریف معنا و عملکرد سکولاریستی اقتدارگرا از میان بردارد؛ این طیف از اسلام‌گرایان که امروزه با عنوان اسلام‌گرایان نوین منافع و هویت ملت ترکیه را نمایندگی می‌کنند و معرف قشر عظیمی از دینداران این کشورند در حوزه سیاست‌ورزی

طالب حکومتی دموکراتیک‌تر، جامعه مدنی پررنگ‌تر و دولتی با نقش کم‌رنگ‌تر در اقتصاد و سیاست‌های مربوط به هویت ملی هستند. بانیان و همراهان جدی این تفکر نه ارتش و نه نخبگان دیوان‌سالاری، بلکه جنبش‌های نو اسلامی، کارآفرینان آناتولیایی، فعالان کرد و جامعه علوی هستند.

در واقع می‌توان گفت اکنون اسلام با دولت حزب عدالت و توسعه به مرجع مناقشه‌ناپذیر هویت ترکیه تبدیل شده است. کارگزاران این تحولات محافظه‌کارانه، با تسلط بر سازمان‌ها و انجمن‌های جامعه مدنی وضع موجود مبتنی بر شالوده‌های کمالیسم را با چالشی چشمگیر و چندوجهی مواجه کرده‌اند.

